

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 21, No. 10, Winter 2021-2022, 153-172
Doi: 10.30465/CRTLS.2021.37376.2307

A Critique on the Book **“Johnson and Sa’di: Two Intimate Strangers”**

Mostafa Hosseini*

Abstract

“*Johnson and Sa’di: Two Intimate Strangers*”, written by Helen Ouliaeinia, is a very useful work in the realm of Persian-English comparative literature. It deals with the unorthodox structural and thematic similarities (and somehow differences) between Johnson’s *The History of Rasselas, Prince of Abissinia* and Sa’di’s *Golestan*. She tries to show documentarily that Johnson’s *Rasselas* has been probably influenced both structurally and thematically by the great Persian poet and writer Sa’di of Shiraz. The present book falls within the realm of the French school of comparative literature, especially “influence studies”. The present paper is composed of three major sections. The first section introduces the author and his seminal book. The second part tries to discuss the book in terms of formal features. Here, typographical errors and some stylistic shortcomings are highlighted. The last section deals with the content of the book. At the end of this part, some points are suggested to enrich the text. To sum up, it is too difficult to accept the author’s claims about Johnsons’ influences.

Keywords: Johnson, Sa’di, Comparative Literature, Influence Studies, *Rasselas*, *Golestan*.

* Assistance Professor of English Literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan, Iran,
mhosseini@basu.ac.ir

Date received: 25/07/2021, Date of acceptance: 30/11/2021

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی و نقد کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل

مصطفی حسینی*

چکیده

کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زبان هم‌دل اثر هلن اولیایی‌نیا اثری است در قلمرو ادبیات تطبیقی (فارسی - انگلیسی) که به تأثیرپذیری کتاب سرگذشت راسلاس شاهزاده حبشی (۱۷۵۹) ساموئل جانسون از گلستان سعدی می‌پردازد. کتاب حاضر در چهارچوب ادبیات تطبیقی، خاصه مکتب فرانسوی، قرار می‌گیرد، زیرا اولیایی‌نیا بر اساس منابع معتبر و درجه اول یک‌یک این موارد تأثیرپذیری را برشمرده است. یکی از مهم‌ترین حوزه‌های پژوهشی مکتب تطبیقی فرانسوی بررسی روابط ادبی، خاصه تأثیر و تأثرات بین نویسندگان و شاعران ادبیات کشورهای مختلف است. مقاله حاضر به بررسی این کتاب در قلمرو ادبیات تطبیقی، به ویژه مطالعات تأثیر و تأثر، می‌پردازد. این مقاله دارای سه بخش اصلی است: بخش اول به معرفی اثر و نویسنده آن می‌پردازد و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص می‌کند. بخش دوم درباره تحلیل صوری کتاب است و نقائص آن را بر می‌شمرد. و بخش سوم به تحلیل محتوایی اثر می‌پردازد. در پایان این بخش نکاتی عرضه شده که به غنای این اثر کمک می‌کند. نتیجه تحقیق این که نمی‌توان مدعای نویسنده که جانسون از طریق ترجمه‌های لاتین و فرانسوی از آثار فارسی با سعدی و اثرش آشنا شده و از آن در نگارش راسلاس به ویژه از لحاظ ساختار، مضمون و شیوه روایی تأثیر پذیرفته را قبول کرد.

* استادیار زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران،

mhosseini@basu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، سموئل جانسون، تأثیر و تأثر، سعدی، گلستان، راسلاس.

۱. مقدمه

ادیب، شاعر و سخنور بزرگ انگلستان سموئل جانسون (Samuel Johnson) یکی از برجسته‌ترین نمایندگان فرهنگ و ادبیات انگلیسی در عصر نئوکلاسیک (۱۶۶۰-۱۷۸۹) به‌شمار می‌رود. مردی کثیرالاضلاع که در قلمروهای مختلفی نظیر فرهنگ‌نویسی، تذکره‌نویسی و تصحیح متون کارهای استثنایی و بزرگ کرده است. او نخستین فرهنگ بزرگ زبان انگلیسی (A Dictionary of the English Language) را، که نگارش آن نه سال به طول انجامید، تألیف و تدوین کرد. وی هم‌چنین با نوشتن کتاب *زندگی‌نامه برجسته‌ترین شاعران انگلیس* (Lives of the Most Eminent English Poets) اولین سنگ بنای تذکره‌نویسی، در معنی اخص کلمه، را بر زمین زبان و ادبیات انگلیسی گذاشت. به علاوه، طبع انتقادی او از مجموعه آثار نمایشی شکسپیر (The Plays of William Shakespeare)، در هشت مجلد، بهترین تصحیح انتقادی مجموعه آثار نمایشی شکسپیر در عصر نئوکلاسیک به‌شمار می‌آید. جانسون (۱۷۰۹-۱۷۸۴) تفناً شعر نیز می‌سرود. از او شعر زیادی برجای نمانده است اما همین مقدار اندک وی را در شمار شاعران طراز اول عصر قرار می‌دهد. وی در زمینه مقاله‌نویسی و روزنامه‌نگاری نیز بسیار فعال بود و با مجلات و نشریات معروف دوره نئوکلاسیک مثل *مجله جنتلمن*، دو هفته‌نامه *رمبلر*، *گاهنامه دونچر*، و *هفته‌نامه آیدلر* همکاری کرد و برای آنان تعداد زیادی مقاله نوشت. افزون بر این‌ها، جانسون در زمینه ادبیات داستانی نیز ذوق آزمایی کرده است. تنها اثر داستانی او *سرگذشت راسلاس*، *شاهزاده حبشی* (The History of Rasselas, Prince of Abissinia) است. وی راسلاس در سال ۱۷۵۹ ظرف یک هفته، البته فقط شامگاهان، نوشت که نشانگر توانایی قلم اوست. جانسون از یک سو، برای تکفین و تدفین مادر محترمش شدیداً به پول محتاج بود و از دیگر سو، از آنجا که در سال ۱۷۳۵ کتابی را در همین راستا — *سفری به حبشه* اثر جروم لوبو (A Voyage to Abyssinia by Father Jerome Lobo) — از فرانسه به انگلیسی ترجمه کرده بود با موضوع اثر نیز کاملاً آشنایی داشت.

در این مقاله، سخن بر سر کتاب *سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زمان هم‌دل* تألیف هلن اولیایی‌نیا است که به تأثیرپذیری *سرگذشت راسلاس شاهزاده حبشی* اثر

ساموئل جانسون از گلستان سعدی می‌پردازد. این کتاب علاوه بر یک پیشگفتار و بخش منابع و مأخذ شش فصل دارد، اما متأسفانه فاقد نمایه اعلام است. عناوین فصل‌های شش‌گانه آن عبارت‌اند از: ۱. مقدمه (احتمال آشنایی ساموئل جانسون با ادبیات فارسی و گلستان، تأثیر مکتب جانسون بر گرایش وی به ادبیات شرق، سرخ‌های بیشتر درباره تأثیرپذیری)، ۲. جهان‌بینی کلاسیک جانسون و سعدی (ادبیات پندآموز)، ۳. تشابه ساختار داستان در داستان گلستان و راسلاس (دیدگاه و شیوه روایی گلستان و راسلاس)، ۴. مضامین مشترک میان گلستان و راسلاس (آز و طمع، قدرت و موقعیت قدرت‌مندان؛ غرور، حسادت و بخل؛ نخوت و قدرت‌طلبی؛ سرنوشت و بی‌اعتباری عمر؛ تفوق عقل بر احساس؛ منزلت علم، کردار نیک، خانواده و تربیت فرزندان، مضامین مذهبی در گلستان و راسلاس)، ۵. تشابه سبک و لحن در گلستان و راسلاس (آرایش‌های متوازی و متقارن در راسلاس؛ ساختارهای قرینه ولی متناقض‌نما از نظر معنایی؛ صنعت متناقض‌نما در ساختار جملات؛ هم‌نشینی آوایی؛ مقایسه لحن در گلستان و راسلاس) ۶. چند نکته تکمیلی. ضرورت و جنبه نوآورانه این اثر آن است که نویسنده نخستین به تفصیل و با ذکر شواهد و مستندات درجه اول در زبان فارسی به این موضوع پرداخته است.

۲. معرفی اثر و نویسنده

کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زمان هم‌دل (۱۳۹۸) آخرین اثر منتشرشده هلن اولیایی‌نیا، استاد برجسته ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان است. پیش از آن که اثر حاضر در قالب کتاب منتشر شود مؤلف بخش‌هایی از آن را در قالب مقاله (به انگلیسی و فارسی) منتشر کرده بود: الف) به فارسی: «جهان‌بینی کلاسیک سعدی و جانسون در گلستان و راسلاس» (۱۳۷۹-۱۳۸۰)، ب) به انگلیسی: «جانسون و سعدی: دو بیگانه آشنا» (Johnson and Saadi: Two Intimate Strangers) (۲۰۰۷/۱۳۸۵)، و «بررسی تطبیقی گلستان سعدی و راسلاس جانسون» (۲۰۰۸/۱۳۸۶). کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زمان هم‌دل در قلمرو ادبیات تطبیقی (انگلیسی - فارسی) مکتب فرانسه - حوزه تأثیر و تأثر (influence studies) - قرار می‌گیرد. این حوزه یکی از گسترده‌ترین، بحث‌انگیزترین و دشوارترین قلمروهای ادبیات تطبیقی است. چنان که از زیرعنوان آن به روشنی دانسته می‌شود این اثر درباره تحلیل تطبیقی راسلاس (The History of Rasselas, Prince of Abissinia) ساموئل جانسون و

گلستان سعدی است. بر خلاف آثاری که این روزها تحت عنوان تطبیقی (در قالب کتاب و مقاله) نوشته می‌شود این اثر در معنی دقیق و اخص کلمه پژوهشی تطبیقی است. به نظر می‌رسد این تک‌نگاشت تحقیقی چند خصیصه بارز دارد. نخست این است که، این تحقیق یکسره بر منابع دست اول و مستند استوار است. دیگر این که، کاملاً متدیک و نظام‌مند است و مؤلف بر اساس مبانی تحقیق ادبیات تطبیقی در این کتاب کوشیده است تا نشان دهد که سرگذشت *راسلاس شاهزاده حبشی* (۱۷۵۹) تحت‌تأثیر *گلستان* شیخ‌اجل سعدی نوشته شده است. به باور او این همانندی‌ها/ وجوه اشتراک — به بیان دقیق‌تر تأثیرپذیری‌ها — عبارتند از ساختار، سبک نگارش و مضامین اخلاقی - فلسفی - اجتماعی. مؤلف، پژوهش خود را بر دو پرسش — میزان آشنایی جانسون با ادبیات فارسی خاصه سعدی و میزان تأثیرپذیری او از *گلستان* سعدی در *راسلاس* — استوار کرده و کوشیده که پاسخ/ هایی مستند برای آن‌ها بیابد. سوم این‌که، کتاب حاضر از انسجام، پیوستگی، و وحدت مضمون برخوردار است و بین مطالب عرضه شده در کل اثر نظم منطقی و یکپارچگی وجود دارد.

هلن اولیایی‌نیا نویسنده و مترجمی پرکار است. از وی افزون بر مقالات متعدد در زمینه‌های مختلف، چندین کتاب (تألیف و ترجمه) درباره ادبیات انگلیسی - آمریکایی (ویلیام شکسپیر نویسنده یا روانشناس؛ هنر شاعری هوراس و مقاله شعری دراماتیک درآیدن، بررسی شیوه روایی در سه *رمان* فاکنر، و...) و ادبیات فارسی (تضادهای دوگانه در هفده نمایشنامه اکبر رادی، *نقد حال ما، کلیدز: کلید زبان در قفل تاریخ؛ مثلث خانه، جامعه و جهان؛ و...*) و ادبیات جهان (هنریک ایبسن: *منادی حقیقت و آزادی در نمایش‌نامه نوین؛ داستان کوتاه در آینه نقد، بوطیقای ارسطو، تراژدی چیست؟، آناتومی تراژدی؛ مسخ و نقد مسخ؛ ابلهان زمان و...*) منتشر شده است. به علاوه اولیایی‌نیا چندین کتاب هم به انگلیسی تألیف کرده است که عبارتند از: *متون نثر ساده (Simple Prose Texts)*، سفر به سرزمین جادویی شعر (*A Trip to the Wonder land of Poetry*) و راهنمای تحلیل داستان (*A Guide to the Analysis of Short story*). هلن اولیایی‌نیا دانش‌آموخته ادبیات انگلیسی از دانشگاه ویسکانسین - مادیسون است و سال‌هاست که در گروه زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اصفهان مشغول تحقیق و تدریس است.

۳. تحلیل صوری اثر

کتاب سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زمان هم‌دل در قطع رقعی مشتمل بر ۹۴ صفحه و با کیفیت چاپ و صفحه‌آرایی نسبتاً مناسبی به همت «نشر نگاه معاصر» منتشر شده است. اما نه تنها در سنجه با کتب خارجی بلکه حتی در قیاس با برخی از کتاب‌هایی که برخی ناشران داخلی — با کاغذ نازک، جلد کاغذی، و قلم مناسب — منتشر می‌کنند از کیفیت نازل‌تری برخوردار است. طراحی جلد کتاب تقریباً چشم‌نواز و جذاب است. در مجموع، با اندکی تسامح، می‌توان شکل ظاهری کتاب را مناسب و مقبول تلقی کرد.

اغلاط مطبعی جزء جدایی‌ناپذیر کتاب‌های داخلی است که متأسفانه پاره‌ای از آن‌ها به کتاب حاضر نیز راه یافته است، و در ادامه این بخش به آن‌ها خواهیم پرداخت. امروزه نمایه‌ اعلام جزء لاینفک هر کتابی است که متأسفانه کتاب حاضر فاقد آن است. با این که آقای علی‌رضا بارچانی این کتاب را ویرایش کرده‌اند اما در جای جای کتاب مواردی هست که از چشم او دور مانده است که آن‌ها را برخواهم شمرد و در هر مورد پیشنهادهایی هم عرضه خواهم کرد. با این همه، اگر از پاره‌ای از موارد چشم‌پوشی کنیم، کتاب حاضری نثری روان و یک‌دست دارد و کاملاً رسا و مفهومی است.

اغلاط مطبعی و موارد ویرایشی کتاب: متأسفانه پاره‌ای اغلاط مطبعی و ویرایشی به کتاب حاضر راه یافته است که آن‌ها را در دو دسته کلی ارائه می‌کنم:

الف) اغلاط مطبعی: ۱. ص. ۳. **تحلیلی** تطبیقی گلستان سعدی و راسلاس جانسون (**تحلیل** تطبیقی گلستان سعدی و راسلاس جانسون، ضمناً این غلط چاپی بر روی جلد کتاب نیز آمده است)، ۲. ص. ۱۴ ... ولی همچنان موضوعی کنجکاوی‌برانگیز در پس‌ذهن بود (... ولی همچنان موضوعی کنجکاوی‌برانگیز در پس‌ذهن بود)، ۳. ص. ۱۴ و نتیجه به مقاله مبسوطی که در مجموعه‌ای توسط روانشاد ایرج افشار ... به چاپ رسید (و نتیجه به مقاله مبسوطی که در مجموعه‌ای توسط روانشاد ایرج افشار ... به چاپ رسید)، ۴. ص. ۱۷ به تأکید یوهنان ... (به گمانم ضبط رایج (تر) یوحنان است: به تأکید یوحنان، گفتنی که این غلط چاپی در صفحه ۲۲ نیز تکرار شده است)، ۵. ص. ۴۵ قبل از پرداخت به نقطه‌نظرهای ناقدان، خلاصه‌ای از داستان راسلاس ارائه می‌گردد (قبل از پرداختن به نقطه‌نظرهای ناقدان، خلاصه‌ای از داستان راسلاس ارائه می‌گردد)، ۶. ص. ... از قول

ایملاک خانواده را به یک پادشاهی بزرگ تشبیه می‌کند (از قول ایملاک خانواده را به یک پادشاهی بزرگ تشبیه می‌کند).

ب) موارد ویرایشی: ۱. ص. ۱۰ یادداشت‌های هر گفتار در پایان هر گفتار آمده است (یادداشت‌های هر گفتار در پایان همان گفتار آمده است)، ۲. ص. ۱۱ چرا که نه؟ می‌توانی مقاله این ترمت را برای این درس در مورد جانسون و سعدی بنویسی (بله، حتماً می‌توانی مقاله این نیم‌سال‌ات را برای این درس در مورد جانسون و سعدی بنویسی)، ۳. ... و گرایش خاصی به ادبیات آموزنده (didactic literature) دارند (برای این اصطلاح انگلیسی در صفحه ۱۹، ۴۱، و ۵۰ ادبیات پندآموز آمده است. اول این که، برای یک اصطلاح واحد بهتر است در کل متن معادل واحدی استفاده شود. دیگر این که، معمولاً برابرنهاد این اصطلاح در ادبیات فارسی ادبیات تعلیمی است)، ۴. ص. ۱۶ ... جانسون شیفته ادبیات عرب و فارسی بوده (با توجه به شناختی که از زندگی‌نامه ساموئل جانسون به دست می‌آید واژه شیفته اندکی اغراق‌آمیز است و برای احتیاط علمی بهتر است از واژه **علاقه‌مند** استفاده شود)، ۵. ص. ۱۶ پیش از هر چیز جهت یافتن سرنخی به تأثیرپذیری، به **ژورنال جان بازول** ... مراجعه نمودم (پیش از هر چیز جهت یافتن سرنخی درباره تأثیرپذیری، به **مجله جان بازول** ... مراجعه نمودم)، ۶. ص. ۱۷ او را ترغیب به راه‌اندازی یک کرسی ادبیات فارسی در آکسفورد می‌نماید («یک» نالازم است: او را ترغیب به راه‌اندازی کرسی ادبیات فارسی در آکسفورد می‌نماید)، ۷. ص. ۱۹ و ۲۶ اولین چاپ ترجمه گلستان به قلم جورج گتینوس یا جتینوس در آمستردام با حاشیه و ترجمه لاتین بود (اولین چاپ ترجمه گلستان به قلم ژانتینوس در آمستردام با حاشیه و ترجمه لاتین بود، مطابق مقاله سعدی در اروپا (زرین‌کوب، ۱۳۲۶) ضبط مآنوس نام ایشان ژانتینوس است)، ۸. ص. بنا بر این، پژوهشگر ناچار باید به تأثیر نویسندگان **کلاسیسیست** فرانسوی بر نویسندگان **کلاسیسیست** انگلیسی از جمله جانسون می‌پرداخت (بنا بر این، پژوهشگر ناچار باید به تأثیر نویسندگان **کلاسیک** فرانسوی بر نویسندگان (نئو) **کلاسیک** انگلیسی از جمله جانسون می‌پرداخت)، ۹. ص. ۲۰ اطلاعات اروپاییان از این داستان‌ها از طریق ترجمه برخی از آن‌ها توسط دو **لاکروه** بوده است (اطلاعات اروپاییان از این داستان‌ها از طریق ترجمه برخی از آن‌ها توسط دو **لاکروا** بوده است)، ۱۰. ص. ۲۱

ایملاک می‌گوید که ایران ...» (گیومه از قلم افتاده است: ایملاک می‌گوید که «ایران ...»)، ۱۱. ص. ۲۲ برای مثال آرچر به ماهیت ارسطویی داستان شماره ۲۰ از بخش هفتم گلستان اشاره دارد (برای مثال آرچر به ماهیت ارسطویی حکایت شماره ۲۰ از باب هفتم گلستان اشاره دارد)، ۱۲. ص. ۲۲ ... سعدی از افتخارات کلاسیک قرن سیزدهم میلادی در ایران به‌شمار می‌آید (سعدی از افتخارات کلاسیک قرن هفتم هجری در ایران به‌شمار می‌آید، در کتابی که مخاطبان آن فارسی زبان هستند تاریخ قمری یا شمسی مرجح است. ضمناً این تاریخ میلادی چند سطر پایین‌تر دوباره تکرار شده است)، ۱۳. ص. ۲۳ بند (پاراگراف) دوم صفحه ۲۳ نقل قول است و نقل قول‌های بیش از چند سطر باید به صورت یک بلوک (block) ارائه شود، ۱۴. ص. ۲۳ همه‌جا در ایران و عربستان و ... قائلند» (گیومه از قلم افتاده است: «همه‌جا در ایران و عربستان و ... قائلند»)، ۱۵. ص. ۲۵ بند دوم صفحه ۲۴ نقل قول است، بنابراین تمام بند دوم — که با جمله «برای شاعر هیچ چیز بیهوده نیست آغاز می‌شود» — باید بلوک شود. ضمناً گیومه آغازین نیز باید حذف شود، ۱۶. ص. ۲۵ دنیا مسیحیت و دنیای محمدی (اندکی بوی ترجمه می‌دهد: دنیا مسیحیت و دنیای اسلام)، ۱۷. ص. ۲۶ ... جانسون دست‌کم باید نویسنده‌گانی که ترجمه شعر فارسی در سفرهای شاردن را توصیه کرده‌اند، خوانده باشد (... جانسون دست‌کم باید نویسنده‌گانی که ترجمه شعر فارسی در سفرنامه شاردن را توصیه کرده‌اند، خوانده باشد)، ۱۸. ص. ۲۸ ضبط نام این سه مترجم مستشرق نامدار فرانسوی: آنتوان گالان، آندره دوریه و دولاکروا (Gallan, Andre Dorrieh, la Croix Petis de) نادرست است: (Pétis de la Croix, Andre Dorier, Galland)، ۱۹. ص. ۳۳ ... داستان بیستم از باب هفتم دقیقاً یادآور بحث‌های ارسطو در مورد ماهیت مالکیت است (حکایت بیستم از باب هفتم دقیقاً یادآور بحث‌های ارسطو در مورد ماهیت مالکیت است)، ۲۰. ص. ۵۱ تمام بند دوم — که با جمله «آن‌ها به شهر و روستا سفر می‌کنند» — نقل قول است باید بلوک شود، ۲۱. ص. ۵۱ ... انگاره مشترکی وجود دارد که آن انگاره جستجو است (واژه مناسب در این بافت «طلب» است: ... انگاره مشترکی وجود دارد که آن انگاره طلب است؛ ضمناً این کلمه در صفحه ۵۳ سطر دوم تکرار شده است که باید اصلاح شود)، ۲۲. ص. ۵۵ پس از خروج از این مکان، راسلاس به همراه خواهرش پکوا و ندیمه او نکایا و استادش ایملاک به جهانگردی می‌پردازد

(نام خواهر راسلاس نکایا و ندیمه او پکواست: پس از خروج از این مکان، راسلاس به‌همراه خواهرش نکایا و ندیمه پکوا او و استادش ایملاک به جهانگردی می‌پردازد)، ۲۳. ص. ۷۸ قسمت‌های شاخص‌شده در عبارات و جملات از نگارنده است (ظاهراً برابر نهاد marked انگلیسی است، «مشخص / معین یا مشخص‌شده / معین‌شده» معادل بهتری است: قسمت‌های مشخص / معین‌شده در عبارات و جملات از نگارنده است).

۴. تحلیل محتوایی اثر

از منظر ز. س. پراور، تطبیقگر برجسته آمریکایی، تأثیر و تأثر شاعران و نویسندگان از یک‌دیگر به دو حوزه کلی تقسیم می‌شود: نوع اول، عبارت است از بررسی وام‌گیری مستقیم؛ نوع دوم، عبارت است از بررسی وام‌گیری غیرمستقیم (پراور، ۵۷). در مبحث بررسی تأثیر و تأثر شاعران و نویسندگان از دیگر ادبیات‌ها گام مهم نخست، تشخیص نوع تأثیرپذیری (مستقیم یا غیرمستقیم بودن) آن است. یعنی این‌که آیا تأثیرپذیری از رهگذر مطالعه مستقیم و به مدد دانستن زبان و در مطالعه گرفتن آثار نویسنده مذکور یا از طریق زبان(های) میانجی و واسطه‌هایی نظیر مترجمان، سیاحان، و مبلغان بوده است؟ انجام چنین تحقیقاتی مستلزم در اختیار داشتن یک بایگانی خوب است، و افزون بر آثار ادبی نویسنده تطبیق‌گر باید به زندگینامه خودنوشت، نامه‌ها، یادداشت‌های روزانه (روزنگارها)، مصاحبه‌ها، و ... نویسنده — در صورت امکان و وجود — مراجعه کند. خوش‌بختانه در باب جانسون کتاب ارزشمند *زندگینامه ساموئل جانسون اثر جیمز بازول* در دست است که از قضا منبع مهمی است برای آشنایی با گوشه‌های تاریک زندگانی جانسون و محیط ادبی و فرهنگی انگلستان آن روزگار، و بی‌تردید می‌تواند در پاره‌ای از موارد سودمند و راهگشا باشد.

نویسنده در اثر حاضر به بررسی شناخت و علاقه جانسون به ادبیات فارسی، خاصه *گلستان سعدی*، و همچنین به جست‌وجوی منابع و مآخذ مورد استفاده او می‌پردازد. چنان‌که می‌دانیم، جانسون زبان فارسی نمی‌دانست، از همین رو به واسطه زبان‌های میانجی، در این جالاتین، فرانسه و انگلیسی، با *گلستان سعدی* آشنا شد. احتمالاً زمینه اصلی آشنایی او با *گلستان سعدی* از رهگذر مترجمان اروپایی بود که ترجمه‌های متعددی از *گلستان سعدی* در آن روزگار عرضه کرده بودند. در کتاب حاضر نویسنده می‌کوشد،

از سویی، با تکیه بر مدارک و مستندات نشان دهد که جانسون تا چه اندازه با ادبیات فارسی، به ویژه گلستان سعدی، آشنا بوده که از آن تأثیر پذیرفته است؛ از دیگر سو، این که این آشنایی و تأثیرپذیری از چه طریقی صورت گرفته است؟

نقائص کتاب حاضر. این کاستی‌ها را به دو بخش مجزا تقسیم می‌کنم. الف) بخشی که به جزئیات برخی از فصول، با برشمردن مصادیق آن، می‌پردازد و ب) بخشی که به کلیت این اثر مربوط می‌شود.

۱.۴ بخش الف) جزئیات

۱. «او حتی خود به ترجمه آثاری که آشکارا متأثر از آثار شرقی بوده‌اند، پرداخته و از طریق مطالعه ترجمه [سفرنامه] شاردن، مستشرق و ایران‌شناس فرانسوی، با آثار کلاسیک فارسی آشنا بوده است» (ص. ۹).

در این که شاردن در سفرنامه‌اش به شاعران ایرانی پرداخته است هیچ تردیدی نیست:

شاردن نخستین فرانسوی بود که در سفرنامه خود از فردوسی و شاهنامه و برخی دیگر از شاعران ایرانی و آثار آنها یاد کرد و اگر چه اطلاعاتش در این خصوص ناقص بود، ولی توجه جامعه ادبی فرانسه را به ادبیات فارسی جلب کرد (حدیدی، ۲۴۸).

اما این سخن مؤلف تنها در صورتی درست است که جانسون متن ده جلدی سفرنامه شاردن را به فرانسه خوانده باشد و متأسفانه در این زمینه مستندی در دست نداریم. بی‌تردید، سفرنامه ژان شاردن یکی از آثار عمده درباره شرق به زبان فرانسه است و خوش‌بختانه در انگلیسی هم روایت مختصر آن هم‌زمان با روایت فرانسوی انتشار یافت. به‌علاوه، شاردن بیش از هرکس دیگر در زمان خود در معرفی شعر و ادب فارسی به اروپا کوشید و بیش از چهارصد صفحه از سفرنامه خود را به توصیف علم و هنر در ایران اختصاص داد. شاردن آثار شماری از شاعران و نویسندگان را، از حکمت لقمان گرفته تا غزلیات حافظ ترجمه و تفسیر کرد. وی به سعدی بسیار علاقه‌مند بود و بخش‌هایی از بوستان و گلستان و همچنین قسمت‌هایی از رساله نصیحه‌الملوک سعدی را به فرانسه برگرداند. برگردان‌های شاردن آمیزه‌ای است از داستانها و مثل‌هایی که در آن متن فارسی نبوده اما در هر حال از آثار همان شاعر یا نویسنده برداشته شده است (جوادی، ۵۸).

بنابراین، اگر جانسون به متن انگلیسی *سفرنامه* شاردن دسترسی داشته‌وی نمی‌توانسته است از طریق این نسخه انگلیسی با ادبیات فارسی، از جمله سعدی، آشنا شده باشد، چرا که ترجمه‌های انگلیسی *سفرنامه* شاردن در روزگار جانسون فاقد بخشی بود که به ادبیات فارسی می‌پرداخت:

شاردن چاپ اول انگلیسی *سفرنامه* خود را به سال ۱۶۸۶ به چارلز دوم اهدا کرد. چاپ دیگری به انگلیسی در سال ۱۷۱۲ درآمده، اما هیچ‌کدام از این دو چاپ قسمت مربوط به ادبیات فارسی را ندارند. این قسمت در چاپ ده جلدی فرانسه، جلد ۵، فصل دوم، آمده است (جوادی، ۵۸).

۲.

کار دیگر دکتر جانسون اثری به نام *زندگی شاعران* است که در آن آثار تمامی شاعران انگلیسی تا زمان خود [تأکید از من است] را مورد نقد و بررسی قرار داده است و زندگی‌نامه‌ای از هر کدام عرضه می‌کند که از آثار مرجع بوده و هنوز مورد استفاده و معتبر است (ص. ۱۱).

بخش دوم این سخن کاملاً درست است چرا که جانسون در این اثر کوشیده تا ژانر تذکره‌نویسی را در ادبیات انگلیسی گسترش و ارتقاء دهد. تا پیش از او تذکره‌ها حالت انتقادی نداشتند، بیشتر به مدح و قدح ادبا و شعرا می‌پرداختند و خالی از مجامله و مسامحه نبودند. اما قلم جانسن به گزاف و نابجا کسی را ستایش یا نکوهش نکرده است. موجب شگفتی است که با گذشت بیش از دویست سال و اندی از نگارش آن هنوز داوری‌های او در اکثر موارد صائب و درخور توجه است. مثلاً تحلیلی که وی از شعرای متافیزیک، ذیل ابراهام کولی (Abraham Cowley)، به دست داده است در نوع خود از درخشان‌ترین تحلیل‌ها به شمار می‌رود، همچنین مقاله‌اش درباره احوال و آثار الکساندر پوپ (Alexander Pope)، انصافاً، یک شاهکار است. نثر استوار، شیوا، و تقلیدناپذیر وی در سراسر این اثر کاملاً مشهود است و سرمشقی تواند بود برای آنان که می‌خواهند انگلیسی را دلنشین و گویا بنویسند.

اما بخش اول سخن نویسنده نادرست است زیرا کتاب *زندگی شاعران* آثار تمامی شاعران انگلیسی تا زمان خود نویسنده را شامل نمی‌شود و جای چندین شاعر طراز اول در آن خالی است. شایان ذکر است که *زندگینامه شعرای [انگلیسی]* (The Lives of the Poets)

آخرین دستاورد مهم جانسون است که در دو مجلد (۱۷۷۹-۱۷۸۹) منتشر گردید. این تذکره ادبی شامل شرح حال انتقادی پنجاه و دو تن از شاعران انگلیس از ابراهام کولی (۱۶۱۸-۱۶۶۷) گرفته تا تامس گری (Thomas Gray, ۱۷۱۶-۱۷۷۱) است. این اثر به درخواست گروهی از کتابفروشانِ لندن که در صدد تهیه گزیده مفصلی از شعر انگلیسی بودند به وی - که شایسته‌ترین فرد برای این کار بود - واگذار شد، و او به نحو احسن از عهده آن برآمد. متأسفانه او در انتخاب شعرا مختار نبود و پیشنهاددهندگان برحسب ذائقه ادبی خود و تا حدی ذوق و سلیقه زمانه، شاعران، به استثنای چهار تن، را برگزیدند. از این رو، جای شاعران بزرگی مانند جفری چاسر (Geoffrey Chaucer, ۱۳۴۰-۱۴۰۰)، ادmond اسپنسر (Edmund Spenser, ۱۵۵۲-۱۵۹۹)، سِر فیلیپ سیدنی (Sir Philip Sidney, ۱۵۵۴-۱۵۸۶)، جان دان (John Donne, ۱۵۷۲-۱۶۳۱) و اندرو مارول (Andrew Marvell, ۱۶۲۱-۱۶۷۸) در این تذکره خالی است.

۳.

به تأکید یوحنا تمام مثال‌های و نقل قول‌ها ویلیام جونز مندرج در این کتاب [دستور زبان فارسی] از شعرای ایرانی چون حافظ، خیام و مولوی و به خصوص **حکایات سعدی** است [تأکید از من است] (ص. ۱۷). ... وگرنه از میان آن همه کتاب موجود در انگلستان چرا باید کتابی که حاوی آثار و مثال‌هایی از آثار ایرانیان و به ویژه **سعدی** داشته، به هیستینگز هدیه دهد و ... [تأکید از من است] (ص. ۲۲).

این نقل قول که دوبار در متن کتاب تکرار شده دقیق نیست. نخست این که ج. د. یوحنا نامی از خیام و مولوی نبرده است، دیگر این که او بر شاعر خاصی تأکید نکرده است:

طی چند سال بعد، هر چند او کوشید که مطالعات ادبی و زبانی اش را در خدمت مردان روبه‌افزایش کمپانی هند شرقی قرار دهد، اما همه این موارد هنوز هم کار دل بود. کتاب دستور زبان فارسی او (۱۷۷۱)، که در سرتاسر قرن نوزده دانشجویان انگلیسی زبان فارسی از آن استفاده می‌کردند، گنجینه‌ای راستین از اطلاعاتی درباره شعر فارسی، من جمله نقل قول‌های و ترجمه‌های فراوان از اشعار فردوسی، سعدی، حافظ و جامی بود (یوحنا، ص. ۵).

شاید این پرسش مطرح شود که جانسون به ترجمه‌های انگلیسی گلستان دست‌رسی داشته است. باید عرض کنم که پاسخ منفی است. شایان ذکر است که کتاب سرگذشت راسلاس شاهزاده حبشی در ۱۷۵۹ منتشر شد، این در حالی است که نخستین ترجمه انگلیسی گلستان سعدی (که مشتمل بر گزیده‌ای از آن بود) در ۱۷۷۴ به اهتمام استفان سالیوان (Stephen Sullivan's Select Fables from Gulistan, or the Bed of Roses) منتشر شد. اما این احتمال وجود دارد که جانسون از ترجمه فرانسوی و لاتین — و به احتمال بعید آلمانی و هلندی — گلستان که در روزگار او در دسترس بود استفاده کرده باشد. متأسفانه در اسناد برجای مانده از جانسون اشاره‌ای بدین مسأله وجود ندارد.

درست است که ترجمه کامل یا ناقصی از گلستان و بوستان سعدی در روزگار جانسون وجود نداشت اما ناگفته نماند که پاره‌ای از حکایت‌های این دو کتاب به اهتمام نویسندگان انگلیسی به زبان انگلیسی (و گاه به لاتین) وجود داشت. برای نمونه، سر ویلیام جونز (Sir William Jones) حکایت «گلی خوشبوی در حمام روزی» (برگرفته از دیباچه گلستان)، «یکی قطره باران ز ابری چکید» (برگرفته از بوستان باب چهارم در تواضع) و «شیندم که در وقت نزع نوشیروان» (برگرفته از بوستان باب اول در عدل و تدبیر و رای) را ترجمه کرده بود. و جوزف ادیسون (Joseph Addison) حکایت «یکی قطره باران ز ابری چکید» را تحت عنوان «حکایت پارسی» (A Persian Fable) به نثر ترجمه و در مجله خود اسپکتیتور (Spectator) درج کرده بود.

۴.

در سال ۱۶۳۶ [تأکید از من است] یعنی صد و هشت سال قبل از این که هزار و یک شب با ترجمه آ. گالان منتشر شود گلستان سعدی توسط آندره دوریه، اولین مترجم قرآن کریم، ترجمه شده بود» (ص. ۱۸). در این جمله سهو و ابهامی بر قلم نویسنده رفته است. نخست این که، در سال ۱۶۳۴ بود نه ۱۶۳۶ که آندره دوریه گلستان سعدی را ترجمه کرد. دیگر این که، از مفهوم جمله چنین برمی‌آید که آندره دوریه کل گلستان سعدی را ترجمه کرده حال آن که وی گزیده‌ای از گلستان را به فرانسه برگردان کرد و «حکایات آن نیز پیوسته بود (حدیدی، ۲۷).

۵. «در سال ۱۳۶۱ [تأکید از من است] اولین چاپ ترجمه گلستان به قلم جورج گنتیوس یا جنتیوس در آمستردام با حاشیه و ترجمه لاتین بود» (ص. ۱۸).

در این جمله نیز سهوی در قلم نویسنده وجود دارد. سال ۱۶۵۱ درست است نه ۱۳۶۱. به علاوه، ضبط اشهر نام مترجم ژانتیوس است (بنگرید به *از سعدی تا آراگون* (ص. ۸۸) اثر جواد حدیدی و *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها* (ص. ۱۷۵) اثر عبدالحسین زرین‌کوب). شاید خالی از فایده نباشد که به اختصار به ترجمه‌های *گلستان سعدی* در اروپا اشاره کنم:

سعدی در غرب از ۱۶۳۴ — وقتی که آندره دو ریبه (André du Ryer) گزیده‌ای از *گلستان* را با عنوان *کشور گل‌ها* (Gulistan, ou l'empire des roses) به فرانسه ترجمه کرد — شناخته شده بوده است ... در ۱۶۵۱ ژانتیوس (George Gentius)، مستشرق هلندی، نسخه‌ای از *گلستان* به همراه ترجمه کامل آن به لاتین را تحت عنوان *رزاریوم* (Rosarium) منتشر کرد. آدام اُئاریوس (Adam Olearius) اولین ترجمه کامل (البته آزاد) *گلستان سعدی* را در ۱۶۵۴ تحت عنوان *گلزار پارسی* (Der Persianischer Rosenthal) منتشر نمود. ج. و. دويسبرگ (J. V. Duisberg) این ترجمه را به هلندی ترجمه کرد، و خود ترجمه آلمانی قبل از پایان قرن سه بار بازنشر شد (لؤلؤیی، ۹۲).

۶. «سعدی اولین شاعر ایرانی است که آثارش به فرانسه ترجمه شده است. شاید این به خاطر این است که روحیات و ذوق وی با شعرای کلاسیک فرانسه همخوانی داشت» [تأکید از من است]. (ص. ۱۸). این سخن نادرست است. علت این که *گلستان سعدی* مورد پسند خاطر فرانسویان قرار گرفت و خواننده بسیار یافت معلول چند علت است یکی این که اثر او با روح زمانه هماهنگ و منطبق بود و ربطی به همخوانی روحیات و ذوق وی با شاعران کلاسیک فرانسه نداشت. در واقع آن دسته از حکایاتی که سعدی در بازگفتن دردهای اجتماعی آورده است بیش از دیگر حکایت‌ها توجه خوانندگان این دوره را جلب کرد زیرا که اینک سحرگاه انقلاب بود و فرانسویان دوره نوینی از تاریخ خود را آغاز می‌کردند (حدیدی، ۹۰). روحیه انتقادی سعدی در بازگفتن دردهای اجتماعی در عصری که سراسر انتقاد و آشوب بود بیشتر جلب توجه می‌کرد. مثلاً «آنچه لافوتن را به سعدی می‌پیوست همین روحیه انتقادی بود» (حدیدی، ۸۲). در واقع، سعدی از زبان آنان سخن می‌راند خاصه در بخش‌هایی که به انتقاد از صاحبان قدرت می‌پرداخت و «این مقتضیات روز بود» (حدیدی، ۹۶):

در اواخر قرن هفدهم جنگ‌های مکرر فرانسه با کشورهای همسایه به آشفتگی اقتصادی و فقر عمومی انجامید و زمینه را برای انتقاد اجتماعی آماده کرد ... رفته رفته شرایط برای انتقاد مساعد شد و برخی از نویسندگان را به خرده‌گیری واداشت. اما هنوز هیأت حاکمه از قدرت فراوان برخوردار بود و انتقاد مستقیم و رویارو امکان نداشت و نویسندگان می‌بایست با ایهام و کنایه و تمثیل چنین می‌کردند. در این هنگام بود که باب استفاده از *گلستان سعدی* و *انوار سهیلی* در پند و اندرز به شاهان و راهبری فرمانروایان گشوده شد. لافوتن در این کار بر دیگران پیشی گرفت ... و به پیروی از آنچه در *گلستان* و *انوار سهیلی* در سیرت پادشاهان و اخلاق درویشان و در فضیلت قناعت را به خدمت گرفت (حدیدی، ص. ۷۳).

دیگر این که

سعدی در استعمال مناسبات لفظی و صناعات شعری بر خلاف نویسندگان آن روزگار اندازه نگه داشت. به همین جهت مطالعه ترجمه آثار وی به زبانهای فرنگی برای خوانندگان آن سامان ملال‌آور و طاقت‌فرسا نیست ... به علاوه سعدی آموزگار حکمت بلندپایه و ارزنده‌ای است که اصولاً بر مبنای نوع دوستی بنیان یافته است. در واقع آنچه بیش از همه از غریبان دل برده و آنان را مجذوب ساخته تعالیم اخلاقی سعدی است که انگیزه‌ای جز بشر دوستی و بزرگداشت آدمیت و شرف انسانی ندارد (سناری، ۴۱۰).

۲.۴ بخش ب) کلیات:

نقائص کلی کتاب در چهار بخش تشابه ساختار داستان - در - داستان، مضامین مشترک، تشابه سبک و لحن، تأثیرپذیری ساختاری و مضمونی ارائه می‌شود.

۱. تشابه ساختار داستان - در - داستان (story-within-story). نویسنده معتقد است که ساختار داستان - در - داستان *راسلاسل* جانسون متأثر از *گلستان سعدی* است (رک. صص. ۴۵-۵۴). به چند دلیل که در ادامه خواهد آمد دیدگاه نویسنده نادرست است. اول این که، *گلستان سعدی* - بر خلاف *هزار و یک شب* و *کلیله و دمنه* - ساختار داستان - در - داستان ندارد جز در حکایت بلند «مشتزن» در باب سوم که بلندترین حکایت *گلستان* است و دو حکایت در دل آن آمده است. این کتاب در واقع مجموعه

حکایت‌هایی است که در هشت باب، از نظر موضوع، تویب (باب‌بندی) شده است. از دیگر سو، *راسلاس* نیز ساختار داستان - در - داستان، به معنی اخص کلمه، ندارد و بیش‌تر به ژانر رمان نزدیک است تا ژانر حکایت و نمی‌توان از نظر موضوع و مضمون آن را به ابوابی تقسیم کرد. ناگفته نماند که در خلال این داستان بلند و یکپارچه چهار حکایت نیز آمده است. به علاوه، نویسنده در فصل پایانی خود بدین نکته معترف است و پنداری آراء پیشین خود را نقض می‌کند:

اگرچه *راسلاس* مانند *گلستان* به باب‌های مختلف در مورد مضامین گوناگون تقسیم می‌شود، ولی بر خلاف *گلستان* که از چندین داستان خیلی کوتاه حکایت‌گونه تشکیل شده است، *راسلاس* از یک داستان یک‌پارچه تشکیل می‌شود که رخداد‌های آن چند شخصیت مشخص و واحد را تا پایان شامل می‌شود (ص. ۸۷).

۲. مضامین مشترک (thematic similarities). نویسنده معتقد است که این دو اثر مضامین مشترکی (مانند آز و طمع؛ قدرت و موقعیت قدرتمندان؛ غرور، حسادت و بخل؛ نخوت و قدرت‌طلبی؛ سرنوشت و بی‌اعتباری عمر؛ تفوق عقل بر احساس؛ منزلت علم؛ کردار نیک و ...) دارند و این را نشانه‌ای از تأثیرپذیری *جانسون* از *سعدی* برمی‌شمرد (رک. صص. ۷۴-۵۵). اول این که نمونه‌هایی که از *گلستان* آورده تا تشابهات مضمون دو اثر را نشان بدهد، اگر از جاده انصاف دور نشویم، چندان مرتبط نیست و مضامین مدنظر شباهت چندانی ندارند و تصنعی و نامرتب به نظر می‌رسند. دیگر این که، مضامینی که نویسنده برشمرده در هر ادبیاتی به چشم می‌خورد و هیچ بعید نیست که نویسنده پرخوانی مثل ساموئل *جانسون* پیشتر بدان‌ها برخورد کرده باشد. به علاوه، این مضامین در آثار کلاسیک یونان و روم باستان - که از قضا در عصر *جانسون* محبوب و مقبول بودند - به‌وفور یافت می‌شد. جالب این که *جانسون* به این دو زبان آشنایی داشت و می‌توانست این متون را به زبان اصلی بخواند، افزون بر این ترجمه این آثار در آن عصر به انگلیسی نیز موجود بود. از دیگر سو، مضامینی مانند *غرور*، *حسادت* و *بخل* در کتاب *مقدس* زیر عنوان هفت گناه کبیره (seven deadly sins) وجود دارد و نیازی نیست که نویسنده‌ای آن را از فرهنگ دیگری اخذ کند. یا فی‌المثل *جانسون* پیش‌تر در شعر بلند *پوچی آمال آدمی* (The Vanity of Human Wishes) - که متشکل از ۳۶۸ مصرع است و در اواخر سال ۱۷۴۸ سروده و در اوایل ۱۷۴۹ منتشر شده - به پاره‌ای از این مضامین از جمله

حرص و آز و آمال آدمی پرداخته بود و نیازی نمی‌دید که آن را از دیگری اخذ و اقتباس کند. جدا از همه این‌ها، خود نویسنده در «قسمت سرنوشت و بی‌اعتباری عمر» به درستی و سنجیدگی می‌نویسد: «سخن از مرگ به میان آمد و سرنوشت؛ مضمونی که در تمام آثار کلاسیک جهان خودنمایی می‌کند و در ادبیات عبرت‌آموز جانسون و سعدی نیز متجلی می‌گردد» (ص. ۶۳).

۳. تشابه سبک و لحن. نویسنده معتقد است که «آرایش‌هایی متوازی و متقارن در *راسلاس* آن را به *گلستان* مانند ساخته است» (رک. صص. ۷۵-۸۶). به گمانم شباهت چندانی بین نثر آهنگین و موجز سعدی در *گلستان* و *راسلاس* جانسون وجود ندارد. شاید نسبت به نثر امروز انگلیسی نثر جانسون اندکی کهنه‌گرایانه به نظر برسد اما از نثر سعدی بسیار دور است و به زحمت می‌توان از انواع سجع و ظرایف زبانی که سعدی در *گلستان* به کار بسته در *راسلاس* نشانی یافت.

۴. تأثیرپذیری ساختاری و مضمونی. چنان که آمد، نویسنده معتقد است که *راسلاس* جانسون از لحاظ ساختار و مضمون متأثر از *گلستان* سعدی است. به علاوه به باور وی «به نظر می‌رسد که *راسلاس* شکل گسترده این داستان — [حکایت مشت‌زن جوان در باب سوم *گلستان* با عنوان «در فضیلت قناعت»] — باشد» (ص. ۵۲). دلیل نویسنده بر این مدعا وجود انگاره مشترکی مانند «انگاره جستجو با مضمون انتخاب راه زندگی» است. در پاسخ این مدعا باید عرض کنم که انگاره جستجو، یا به بیان بهتر «طلب»، یکی از کهن‌الگوهای ادبیات جهان است و در مغرب زمین هم شواهد فراوان دارد. دو نمونه برجسته آن *ادیسه* همر و *کمدی الهی* دانته است، از این رو کاربست این انگاره از سوی نویسنده‌ای غربی را نمی‌توان اخذ و اقتباس از شرق دانست. به علاوه، تفاوت‌هایی بین این حکایت سعدی و *راسلاس* وجود دارد. مثلاً مشت‌زن در حکایت سعدی بدین جهت عزم سفر دارد «که از دهر مخالف به فغان آمده و حلق فراخ از دست تنگ به جان رسیده»، از این رو پای در راه می‌نهد «مگر به قوت بازو دامن کامی فرا چنگ آرد». حال آن که به گفته مؤلف در *راسلاس* «اسباب شادمانی و خوشبختی» شاهزاده حبشی فراهم است از این رو وی برای رهایی از «زندگی یکنواخت و ملال‌آور ... و در پی زندگی پویا و هیجان‌انگیز» عزم سفر می‌کند.

افزون بر این، نویسنده هیچ مستندی عرضه نکرده است که آیا جانسون به این حکایت سعدی دسترسی داشته است یا نه؟ وی تنها احتمال می‌دهد که جانسون از رهگذر زبان‌های میانجی — لاتین و فرانسه — با گلستان سعدی آشنا شده باشد. به علاوه محققانی که وی به آراء ایشان استناد کرده خود با تردید در این باب سخن گفته‌اند: «بر نگارنده این رساله — [افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی] — معلوم نیست که آیا جانسون مانند ولتر از رسوم و ادیان مملکت ما آگاهی داشته یا نه» (صفاری، ۶۲). برای نشان دادن تأثیرپذیری نویسنده‌ای از نویسنده دیگر، مطابق ادبیات تطبیقی، باید بر مستندات تکیه کرد نه احتمالات. جالب این که به نظر فرانسوا یوست (François Jost)، تطبیقگر برجسته آمریکایی، حتی وجود کتاب نویسنده‌ای در کتابخانه نویسنده دیگر دلیلی بر آن نیست که وی آن را خوانده و از آن متأثر است (یوست، ۸۳). در نبود اطلاعات دست اول تنها می‌توان از «تأثیر فرضی / احتمالی» سخن گفت نه از تأثیر قطعی. بنابراین، این ملاحظات نشان می‌دهد که در این مورد نمی‌توان مسأله تأثیرپذیری جانسون از سعدی را به نحو مجاب‌کننده‌ای اثبات کرد، چرا که حلقه‌های اتصال مفقوده بسیار است.

۵. نتیجه‌گیری

بر ما مسلم است که ساموئل جانسون با زبان فارسی آشنایی نداشته است از این رو نمی‌توانسته گلستان سعدی را به زبان اصلی خوانده باشد. از طرف دیگر، در روزگار او به جز ترجمه پراکنده از چند داستان او (از حکایات گلستان و بوستان) حتی ترجمه گزیده‌ای از گلستان به انگلیسی هم وجود نداشته است. در نتیجه تنها احتمال ترجمه از طریق زبان‌های میانجی است. از آنجا که ساموئل جانسون به چند زبان آشنایی خوبی داشت احتمالاً از رهگذر ترجمه‌های لاتین و فرانسوی با گلستان سعدی آشنا بوده است، اما متأسفانه در نامه‌ها، زندگینامه، و یادداشت‌های او در این باب مدرکی وجود ندارد. از این رو نمی‌توان مدعی نویسنده را که جانسون از طریق ترجمه‌های لاتین و فرانسوی از آثار فارسی با سعدی و اثرش آشنا شده و از آن در نگارش راسلاس به ویژه از لحاظ ساختار، مضمون و شیوه روایی تأثیر پذیرفته است را قبول کرد. تردیدی نیست که اندک - شباهت‌هایی مضمونی بین این دو اثر وجود دارد «اما صرف همانندی فکری و هم‌سویی دو نویسنده دلیل بر تأثیرپذیری نیست. باید مسلم شود که نویسنده پذیرنده آثار نویسنده

دیگر را خوانده و از آن‌ها بهر مند شده است. اثبات این این مطلب البته آسان نیست. به ظن و گمان هم نمی‌توان توسل جست» (حدیدی، ص. ۶). شاید بتوان گفت که جانسون در نگارش راسلاس، مضموناً، از داستان ساجد فرمانروای حبشه و کوشش او در را کامروایی (Seged, Lord of Ethiopia and his Efforts to be Happy) — که در شماره ۲۰۴ مجله رامبلر (Rambler, ۱۷۵۲) منتشر شد — متأثر بوده است. پیشنهاد می‌شود که نویسنده برخی از منابع را که مغفول مانده ملاحظه و مطالب را بر اساس نظریه‌های ادبیات تطبیقی مستند و روش‌مند کنند.

کتاب‌نامه

- اولیایی‌نیا، هلن (۱۳۹۸). *سعدی و جانسون؛ دو ناهم‌زمان هم‌دل*. تهران: نگاه معاصر.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۳). *یادداشت‌ها و اندیشه‌ها*. تهران: علمی.
- جانسون، ساموئل (۱۳۸۲). *راسلاس شاهزاده سعادت‌جوی*. ترجمه مهناز صادقی. تهران: پرسمان.
- جوادی، حسن (۱۳۹۶). *تأثیر ادبیات فارسی در ادبیات انگلیسی*. تهران: سمت.
- ستاری، جلال (۱۳۴۳). «مقام سعدی در ادبیات فرانسه». مهر، س. ۱، ش. ۴.
- صفاری، کوکب (۱۳۵۷). *افسانه‌ها و داستان‌های ایرانی در ادبیات انگلیسی*. تهران: دانشگاه تهران.
- یوست، فرانسوا (۱۳۹۷). *درآمدی بر ادبیات تطبیقی*. ترجمه علی‌رضا انوشیروانی. تهران: سمت.
- یوسفی، غلامحسین (۱۳۹۸). *گلستان سعدی*. تهران: خوارزمی.
- Loloi, Parvin (2014). "Emerson and Aspects of Sa'di's Reception in Nineteenth-Century America 91-116. In Aminrazavi, Mehdi (ed.), *Sufism and American Literary Masters*. Albany: State University of New York Press.
- Yohannan, John David (1977). *Persian Poetry in England and America: A 200-Year History*. Delmar, New York: Caravan Books.
- Jost, François (1974). *Introduction to comparative literature*. Indianapolis: Pegasus Publishers.